

۱۱۳ - قابل ۴۶

دوست عزیز و دانشمند گرام خانم زاله سلام!

من می‌دانم نامه را چگونه آغاز کنم و از چه بنویسم؟ از دوستی درینده یا از آشنائی حضری که

توسط یکی از دوستان در لندن (کجا) است، از علقه به آنجا است که آرزو می‌کنم خدا را شکر در آنجا می‌بینم یا

عشق محبتی که به تعالی انانها دارد که منم سعی میکنم در راه تحقق این آرزو، لنگان لنگان همراهان

باشم، در هر حال آرزوی که بیش از پیش بشود (مگر در دوستی ای را که از طرفهای سابق دراز با

من انانها شریف و فداکار در شتم می‌دانم بیان کنم و فدا در بنویسم هستم، اینست بطور خلاصه

در یک سلام گرم دوستانه خلاصه کرده تقدیم می‌کنم. از دوستان را میفهمم و بارها

مستاق منتظر دیدارشان هستم. احوال سلامتی من را از هر دو عزیز پرسیده ایم و نیز نامه‌ها

که برای خانم معنی رسیده خوشحالی‌مان کرد (سید و ارم) که همیشه سلامت باشید و باز به ترتیب بیدارشان ناموس

بدی چند روز بعد از عزیمت من، به لندن آمد و سلام مخصوص خدمتستان دارد و هم چنین از قول

من بدی خدمت دولت از چند تا که در بیج سلام برسانید، سلامت و سعادت و توفیق شما را خواهم

خانم زاله عزیز! همانطور که قبل از مسافرت خدمتستان عرض کرده بود کتاب شعر من که ترجمه

اشعار شعرهای گوی، پرگویی دینینی و سایرین است و کار چاپ و نشر آن نام

مانده بود اکنون آماده است که بدی است باید توسط شخص شریف بررسی و نظار بگیرد شده

و بگوی "OK" شود، تا زوجه و همیافی بخورد، بدین لحاظ خواهی شد است سرتیپی با آمدن به لندن به

که اینک بخیر به چه زود تحت نظر خود جنبه‌های انجام بخورد. چنانچه در میان مستاق دیدارشان کرده سلامتی

هم بر ترغیب هوای شما را میکنم از کتاب استقاره میکنم و سایر در میان غرضی بنم ایستاد بگویم در ادامه